



پیامدهای ریسک مرتبط به استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی در بانک‌های ایرانی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار

ندا کشاورزبان ©

کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی مالی دانشگاه شاهد

دکتر محمدجواد شیخ^۲

دکتری حسابداری، استادیار دانشگاه شاهد، گروه مدیریت بازرگانی

دکتر رضا عباسی^۳

دکتری مدیریت صنعتی، استادیار دانشگاه شاهد، گروه مدیریت صنعتی

(تاریخ دریافت: ۲۴ شهریور ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۰ دی ۱۳۹۷)

این روزها بحث جایگزین نمودن استانداردهای بین‌المللی و ملی توجه بسیاری را به خود جلب نموده است. پژوهش حاضر به منظور بررسی پیامدهای اتخاذ اجباری استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی IFRS بر ارتباط بین معیارهای مبتنی بر ریسک و متغیرهای حسابداری در بانک‌های ایرانی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای اولین بار در ایران انجام گرفته است، بدین منظور به بررسی تغییرات همبستگی از آزمون Z فیشر و تغییرات میانگین از آزمون T زوجی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده اینست که اتخاذ IFRS رابطه میان نسبت وام به دارایی با ریسک سیستماتیک را در جهت مثبت افزایش می‌دهند در حالی که اندازه و اعتبار با ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک و سود هر سهم و محافظه کاری و ریسک سیستماتیک رابطه معکوسی را، پس از گذار به IFRS نشان می‌دهند. به علاوه بین تنوع درآمد و معیار ریسک بازار رابطه مثبتی پس اجرای IFRS وجود دارد و در آخر IFRS تأثیری بر رابطه نقدینگی و ریسک سیستماتیک غیر سیستماتیک نگذاشته است.

واژه‌های کلیدی: ریسک سیستماتیک، ریسک غیر سیستماتیک، اتخاذ اجباری، گزارشگری مالی.

¹ n.keshavarzian70@gmail.com

² mjsheikh2002@yahoo.com

³ rabbasi@shahed.ac.ir

مقدمه

صورت‌های مالی به‌عنوان مهم‌ترین منبع اطلاعاتی برای انعکاس نتایج عملکرد و وضعیت مالی و جریان‌های نقدی واحدهای تجاری شناخته شده‌اند و به همین دلیل مبانی تهیه صورت‌های مالی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. رشد تجارت بین‌المللی و جریان‌های سرمایه و پیوستگی اقتصادی فزاینده طی دو دهه گذشته، منجر به تمایل به هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری در میان کشورها شده است. از این‌رو نیازمند استانداردهای حسابداری پایدار، جامع و مبتنی بر اصولی روشن در ارتباط با واقعیات اقتصادی هستیم همسان‌سازی استانداردهای بین‌المللی در اقتصاد جهانی ضروری است. حداقل از جنبه نظری این توافق وجود دارد که داشتن مجموعه واحدی از استانداردهای باکیفیت بالا، منافع سرمایه‌گذاران را تأمین می‌کند و هزینه‌های دسترسی به بازارهای سرمایه در سراسر جهان را کاهش می‌دهد. استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی¹ (IFRS)، به مجموعه‌ای از استانداردهای حسابداری گفته می‌شود که از سوی هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی² (IASB) تدوین شده است. هدف این استانداردها، تهیه صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی در قالب یک استاندارد جهانی است. ضمن این که همسان‌سازی بین‌المللی بر راهبری شرکت‌ها، حساسی، استانداردهای اخلاقی و سازوکارهای نظارتی نیز تأثیرگذار است. بانک مرکزی نیز الزام رعایت استانداردهای جدید در صورت‌های مالی را در راستای همکاری‌های هر چه بیشتر بانک‌های بین‌المللی با سیستم بانکی داخل کشور و همچنین جلب نظر سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به ایران می‌داند.

معیارهای ریسک بازار و نسبت‌های حسابداری اغلب برای ارزیابی کردن عملکرد ریسکی شرکت‌ها محاسبه می‌شوند. آنالیزگران مالی، سرمایه‌گذاران و سهامداران به‌طور قابل ملاحظه‌ای به آنالیز اطلاعات صورت‌های مالی یک شرکت به‌منظور استفاده کردن از آن به‌عنوان مبانی برای سرمایه‌گذاری‌شان نیازمندند. مدیران شرکت نیز داده‌های حسابداری را برای مدل‌سازی خط‌مشی‌های عملیاتی‌شان به کار می‌گیرند. پیشینه مطالعات حسابداری نشان می‌دهد که اجرای IFRS کیفیت حسابداری در کشورهای مختلف به شیوه‌ای گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهد از این‌رو در این پژوهش هدف این است که تأثیر IFRS را بر کیفیت حسابداری به‌طور خاص ریسک مربوطه موردتوجه قرار دهیم. به‌عبارت‌دیگر این سوال همچنان باقیست که آیا اتخاذ IFRS توانایی توضیح متغیرهای حسابداری ترازنامه و صورت مالی که مرتبط با ریسک‌های سیستماتیک و غیر سیستماتیک افزایش خواهد داد یا خیر؟ گستره کار ما در این تحقیق ارتباط ریسک معیارهای حسابداری مرتبط با اندازه بانک، وام، نقدینگی، اعتبار، نوع سود و درآمد قبل و بعد از کاربرد IFRS را روشن می‌نماید.

¹ International Financial Reporting Standards

² International Accounting Standards Board

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

رشد تجارت بین‌المللی و جریان‌های سرمایه و پیوستگی اقتصادی فزاینده در دو دهه‌ی گذشته، منجر به تمایل به هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری در میان کشورها شده است. در ایران نیز همگام با سایر کشورها و در راستای افزایش شفافیت اطلاعاتی، توسعه‌ی بازار سرمایه و نیز ارتقای جایگاه بین‌المللی بازار سرمایه کشور، به استناد مصوبه‌ی مجمع عمومی سازمان حسابرسی در زمینه‌ی اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) در تهیه صورت‌های مالی، هیأت مدیره‌ی سازمان بورس و اوراق بهادار در آبان ماه سال ۹۵ گروه‌های از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و اوراق بهادار را علاوه بر تهیه صورت‌های مالی طبق استانداردهای حسابداری ایران، ملزم به تهیه صورت‌های مالی مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کرد. [۱۴]

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به مجموعه استانداردهایی گفته می‌شود که از سوی هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای شناخت، اندازه‌گیری و گزارشگری معاملات و رویدادهای یک شخصیت حسابداری وضع شده‌اند و مورد توافق قرار گرفته‌اند [۱۴] در دو دهه‌ی اخیر، این استانداردها در سطح بین‌المللی با استقبال گسترده‌ای مواجه شده‌اند به عبارت دیگر، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، مجموعه‌ای از اصولی است که برای برقراری نظم در گزارشگری مالی و قواعد حسابداری به منظور سازگار شدن در سراسر جهان منتشر می‌شود. در این مفهوم، کار استانداردها تضمین زبانی مشترک در یک خط‌مشی مالی است که با به‌کارگیری این استانداردها در سراسر جهان میسر خواهد شد. [۲]

در آینده نزدیک ایران نیز به بیش از ۱۴۰ کشور که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را پذیرفته‌اند خواهد پیوست. تجربه حاصل از شرکت‌های موجود در آن کشورها نشان می‌دهد که گذار به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به مراتب بیشتر از یک فرایند ساده مرتبط به حسابداری است. به نحوی که این تغییر بسیاری از حوزه‌های اجرایی و عملیاتی سازمان را درگیر می‌نماید. زمانی که بانک‌ها بخواهند این استانداردها را اجرا کنند، نتیجه‌های گزارشگری غیر یکنواخت و حتی غیرمنتظره می‌باشد بنابراین بانک مرکزی می‌تواند به عنوان یک هماهنگ کننده نقش خود را براساس تجربه‌هایی که در دنیا استفاده شده در اجرای IFRS به کار ببرد. در سال ۲۰۰۶، جامعه‌ی حسابداران رسمی نیوزلند نیز مانند کشورهای بریتانیا و استرالیا، رهنمودی درباره‌ی آثار حسابرسی گذار به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشر کرد. بنا به پیش بینی این رهنمود، گذار به استانداردهای مذکور، منجر به افزایش ریسک حسابرسی می‌شود. به عبارت دیگر، مشکلات مربوط به گذار به IFRS و نبود دانش فنی کافی صاحبکار و حسابرس نسبت به این استانداردها، می‌تواند منجر به افزایش ریسک حسابرسی در زمان گذار شود اما مسأله‌ی دیگری که همزمان می‌تواند منجر به افزایش ریسک عدم کشف حسابرسی شود، نبود دانش و آگاهی لازم حسابداران و حسابرسان از این استانداردهاست. هرچند این مشکل ناشی از ماهیت IFRS نیست و با آموزش و به مرور زمان با افزایش دانش و تجربه‌ی حسابداران و حسابرسان مرتفع می‌شود. فرایند تدوین استانداردهای حسابداری در کشورهای مختلف خود تابع محیط‌های سیاسی و تجاری آن کشورها و همچنین تحت تاثیر لابی‌های سیاسی مختلف است. به دلیل تفاوت‌های ذاتی بین

محیط‌های گزارشگری بین‌المللی بسیاری با این ایده که اتخاذ IFRS کیفیت حسابداری افزایش می‌دهد، مخالفند. از این رو میچایل بریک ۲۰۱۵ [۲۳] از دیدگاهی که در آن، از سیستم حسابداری محلی را بهترین گزینه برای شرایط کسب و کار محلی می‌داند، حمایت مینمایند. براساس این دیدگاه جونز و ولنیدر (۲۰۰۳) اظهار می‌دارد، زمانی که ما فرهنگ‌های مختلف را که در آن سیستم‌های حسابداری وضع شده‌اند را در نظر می‌گیریم، امکان استفاده از سیستم واحد کارایی لازم را ندارد، به طور مثال ژاپن و استرالیا به سبب تاریخ، فرهنگ، عقاید و سنت‌هایی که در کشورشان گسیل یافته است، از سیستم‌های حسابداری متفاوتی بهره می‌گیرند. به دین سبب در بررسی بازارهای نوظهور و توسعه یافته، مشاهده شده است که ویژگی‌های هر کشور در میزان تفاوت تصمیمات تامین مالی شرکتها موثر است. (لوپس و همکاران ۲۰۱۶:۲) در حالی که در بازارهای توسعه یافته عوامل ملی اهمیت کمتری را در ساختار مالی برخوردار هستند. [۲۱] مطابق با پژوهش (چو و زغال، ۱۹۹۹) بیان می‌دارند که به سبب بین‌المللی شدن عملیات حسابداری شرکت‌ها، یکسان سازی باعث قابل مقایسه شدن برای تصمیم‌گیری و ذخیره زمان و هزینه می‌شود و اثرات مثبتی دارد.

اصولاً کشورهایی که دارای حقوق عرفی هستند، نسبت به کشورهایی که از حقوق نوشته بهره می‌گیرند از سهامداران خود بیشتر محافظت و حمایت می‌کنند. منشأ حقوق عرفی انگلستان است و توسط سیستم قضایی که در آن قاضی با اتکا به قوانین فوق، به حل مسائل خاص می‌پردازد، استقرار پیدا کرده است در حالی ریشه حقوق نوشته، در یونان باستان است و توسط قواعدی که به مفاهیم اخلاقی متصل می‌گردد، بنیان نهاده شده است. رایین و بال در سال (۲۰۰۱) پیشنهاد کردند که حقوق عرفی برای انعقاد قراردادها در بازارهای عمومی، مناسب است. در حالی که حقوق نوشته برای قراردادهایی تناسب دارند که بین تعدادی از بخش‌های کوچک منعقد می‌شوند. از این رو دیاکنو (۲۰۰۳) بیان میدارد، کشورهایی با نظام عرفی مانند آمریکا و انگلستان، بر سهامداران و اعتباردهندگان که تامین کننده منابع سرمایه هستند، تاکید می‌کنند. در مقابل، کشورهای مبتنی بر حقوق نوشته مانند فرانسه و آلمان، واحدهای تجاری به‌طور اساسی به کارمندان، مستخدمان، مدیران، بانک‌ها و دولت برای تامین مالی تکیه می‌کنند. شواهد نشان می‌دهد که کشورهای مبتنی بر حقوق نوشته، مانند فرانسه، به‌طور عمده از حمایت‌های قانونی سرمایه‌داری قوی‌تری برخوردارند. چنین تفاوت‌های اساسی در منشأ قوانین کشورها بر اهمیتی که اطلاعات حسابداری دارد تاثیر می‌گذارد. طی بررسی که گرکو (۲۰۱۱) انجام داد نشان داده شده که اتخاذ IFRS باعث کاهش هزینه سرمایه در بورس آمریکا نمی‌شود زیرا شرکت‌هایی که در بورس نیویورک فعالیت می‌کنند باید از استانداردهای بالای برخوردار باشند همچنین این شرکت‌ها باید تحت نظر بازرسان حسابرسی قرار گیرند بنابراین اتخاذ IFRS نمی‌تواند تاثیر چندانی بر کیفیت اطلاعات در این شرایط داشته باشد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که اتخاذ IFRS تاثیری بر هزینه سرمایه در حالت تورم ندارد زیرا همانطور که داسک و همکاران (۲۰۰۸) و لی (۲۰۱۰) بیان نمود نقش اتخاذ IFRS فقط در کشورهای که دارای نظام اجرایی قوی هستند حس میشود (نظام قانونی قوی) در کشورهای در حال توسعه که اقتصاد ساده‌ای دارند، به استانداردهای حسابداری در معاملات اقتصادی پیچیده و پیشرفته نیازی نیست. بنابراین هر چند

این کشورها ممکن است استانداردهای بین‌المللی حسابداری را پذیرفته باشند، اما تنها به قسمت‌هایی از این استانداردها تاکید می‌کنند که بیشتر کاربرد دارد. کشورهای در حال توسعه‌ای که می‌خواهند سرمایه‌گذاران خارجی را به بازار سرمایه خود جذب یا واحدهای تجاری داخلی را به تامین مالی از بازارهای خارجی تشویق کنند، تمایل بیشتری دارند تا در مواجهه با مسائل، دیدگاه‌هایی مشابه با استانداردهای بین‌المللی حسابداری را برگزینند، چرا که این استانداردها شناخت و پذیرش بیشتری نسبت به استانداردهای ملی خود آنان دارد، در نتیجه باید رابطه‌ای مثبت بین واگرایی و سطح توسعه اقتصادی وجود داشته باشد.

میشال بریک (۲۰۱۵) بیان می‌دارد که شرکت‌هایی که به صورت اختیاری گزار به IFRS داشته‌اند به احتمال بیشتری بهبود در کیفیت حسابداری دارند به سبب آنکه آنها به این دلیل احتمالی IFRS را اتخاذ کردند تا خود را از سیستم نامناسب قبلی برهانند [۴] [۲۵] در مقابل اتخاذ اجباری IFRS، به سبب دلایل غیر قابل کنترل از قبیل فشار سیاسی، قوانین بازار سرمایه و غیره می‌باشد که شرکت‌ها را مجبور به پیروی از استاندار جدید می‌زند. به طور مثال کریستنس ۲۰۰۸ [۸] دریافت که گزار به IFRS به صورت اختیاری بهبود در کیفیت حسابداری را در آلمان به همراه داشت در حالی که اتخاذ اجباری آن کیفیت حسابداری را به مقدار اندکی در این کشور تغییر می‌دهد. علاوه بر این گروهی بر این باورند که هماهنگ‌سازی بین‌المللی ممکن است به اضافه بار استانداردها منجر شود. این موضوع بیانگر آن است که شرکتها علاوه بر سرو کار داشتن با فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورشان باید الزامات پیچیده و پرهزینه بین‌المللی را نیز رعایت نمایند.

بحران مالی گذشته در اروپا اثرات مخرب سیاست‌های وام‌دهی بی‌اساس را برجسته کرد زمانی که بسط اعتباردهی بدون کنترل باشد قرض‌گیرندگان ریسکی وام‌هایی را دریافت می‌کنند که توان پرداخت آن را ندارند از این رو این موضوع تهدیدی برای ثبات و فعالیت اقتصادی بلند مدت بانک‌ها به حساب می‌آید. [۲۸] [۱۰] به همین ترتیب زمانی که بانکها با محدودیت نقدینگی مواجه هستند تجدید دوباره وام‌ها قابل تضمین نیست و وام‌گیرندگانی با پروژه‌هایی با NPV^۱ مثبت برای تامین منابع مورد نیاز برای توسعه کسب و کارشان موفق نخواهند بود. به چندین دلیل اطلاعاتی که توسط IFRS ارائه میشود برای تصمیم‌گیری اقتصادی مناسبتر است: ۱. تاکید بر ماهیت اقتصادی معامله نسبت به شکل قانونی آن ۲. شامل بودن صورت‌های نقدی با انتظار جریان نقدی بیشتر ۳. الزام به ارتباط بیشتر در بخش‌های صورت سود و زیان و ترازنامه ۴. کاهش عملیات فرصت طلبانه مدیران مخصوصا در بانکها [۱۰] به دین ترتیب بال ۲۰۰۶ [۳] بیان نمود که IFRS یک نوع محصول عمومی است که هزینه‌ی حاشیه‌ای برای هر کاربری اضافه شده که آن را اتخاذ مینماید، ندارد. همچنین تاکید مینماید که کمبود شفافیت بین کیفیت حسابداری و استاندارد حسابداری یک شکل به دلیل تفاوت سرمایه‌گذاران در یک رنج وسیعی از ابعاد است که بسیار سخت است آنها را در تحت یک استاندارد واحد شناسایی کنیم. استانداردهای مالی

¹ Net Present Value

بین‌المللی مزیت‌هایی از جمله کاهش تناقض قوانین بین‌المللی بین کشورها و کاهش هزینه آنالیز صورت‌های مالی دارد. علاوه بر این مزیتها موانعی بر سر اجرای استانداردهای گزارشگری مالی وجود دارد. یکی از این موارد تمایز بین طرفهای ذینفع است: بخش خصوصی و سیاسی. چو ریچاردر [۶] ۱۹۸۸ داسک و همکاران [۹] ۲۰۰۸ ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه را بررسی کردند در نتیجه متوجه شدند رابطه مثبتی بین عدم تقارن اطلاعات و هزینه سرمایه وجود دارد، عدم تقارن کم اطلاعات میتواند هزینه سرمایه را کاهش دهد. کوسما (۲۰۰۰) مطابق با پژوهش چو و زغال [۷] ۱۹۹۹ بیان نمود که به سبب بین‌المللی شدن عملیات حسابداری شرکتها، یکسان سازی باعث قابل مقایسه شدن برای تصمیم‌گیری می‌شود و ذخیره زمان را امکان‌پذیر می‌سازد.

یاتریدیس [۱۸] در مقاله‌ای با عنوان استانداردار گزارشگری مالی و کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی در شرکت‌های انگلیسی نشان داد که اجرای IFRS کیفیت حسابداری را تقویت میکنند و منجر به ارزش مربوطه بیشتر معیارهای حسابداری میشود. از طرفی مورایس و کورتو [۲۴] ۲۰۰۹ تاثیر اتخاذ اجباری IFRS ارزش مربوطه و فاکتورهای ویژه هر کشور مورد بررسی قرار داد و با استفاده از داده‌های سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۰ شواهدی را ارائه کرد که ارزش مربوطه حسابداری شرکت‌های بوری اروپایی با اتخاذ IAS مقادری افزایش می‌یابد. از طرف دیگرهانگ و همکاران [۱۴] ۲۰۰۷ اتخاذ IFRS در صورت‌های مالی گزارش شده در شرکت‌هایی که سیستم‌های حسابداری سبک اروپایی را بکار می‌گیرند بررسی نمودند. مطالعه آنها بر مبنای نمونه‌ای از شرکت‌های آلمانی بوده و به این نتیجه منتج شده که کل دارایی‌ها، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و تغییر پذیری ارزش دفتری و درآمد (به صورت ناپایدار)، ارزش مربوطه بیشتری تحت IFRS از GAAP^۱ دارد همچنین ارزش دفتری و درآمد ارزش مربوطه بیشتری تحت IFRS را نشان نمی‌دهد. به اضافه کالو و همکاران [۵] ۲۰۱۰ در تحقیقی با عنوان اتخاذ IFRS در اسپانیا و انگلیس و تاثیر آن در ارقام حسابداری، شروع به بررسی کارکرد IFRS در این دو کشور نمودند آنها اعتقاد داشتند که نتایج تحقیق ارزش بالاتری در کیفیت متغیرهای حسابداری در اسپانیا نسبت به انگلیس نشان میدهد زیرا سیستم حسابداری IFRS به سیستم کشورهای آنگیلو ساکسون شباهت بیشتری تا مدلهای حسابداری قاره اروپا دارد، با این وجود نتایج نشان داد که کیفیت حسابداری در انگلیس بالاتر از اسپانیا پس از اتخاذ IFRS است. همچنین این تحقیق نشان داد که IFRS به طور منفی ارتباط گزارشگری مالی در اسپانیا و انگلیس را تحت تاثیر قرار داده است، هرچند این تاثیر تنها در اسپانیا مهم بود با این اوصاف این نتایج نگران‌کننده است زیرا هدف از گزارشگری مالی پر کردن شکاف بین ارزش بازار و ارزش دفتری و افزایش افشاگری مالی می‌باشد اما نتایج این تحقیق حالت عکس را در این پژوهش نشان میدهد. بنابراین ما نیز نتیجه می‌گیریم اثر IFRS به صورت ترکیبی است و تحقیقات آینده لازم است به منظور فرمول کردن این فرض استنباط مطمئنی را ارائه دهند.

^۱ Generally Accepted Accounting Principles

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر، براساس هدف و شرایط اجرای آن، تحقیق کاربردی می‌باشد. پژوهش‌های کاربردی پژوهش‌هایی هستند که در آنها، نظریه‌ها، قانون‌ها، اصل‌ها و فن‌هایی را که پژوهش بنیادی تدوین می‌شوند، برای حل مسائل اجرایی و واقعی به کار گرفته شوند. این تحقیق از نظر روش از نوع تحقیقات همبستگی می‌باشد. در تحقیق همبستگی هدف اصلی آن است که مشخص شود آیا رابطه‌ای بین دو یا چند متغیر کمی وجود دارد و اگر این رابط وجود دارد، اندازه و حد آن چقدر است؟ هدف از مطالعه همبستگی ممکن است برقراری یک رابطه یا نبود آن و به کارگیری روابط در انجام پیش‌بینی‌ها باشد. جامعه آماری ما کلیه بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که دارای شرایط زیرند:

- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
 - بیش از سه ماه وقفه معاملاتی در طول هر سال، در بورس نداشته باشد.
 - صورت‌های مالی آنها بدون اظهارنظر و یا دارای اظهارنظر مردود نباشد.
 - اطلاعات مربوط به بازده ماهانه و ارزش بازار کل سهام هر شرکت در پایان دوره، قابل دستیابی باشد.
- با توجه به محدودیت‌های فوق تعداد ۹ بانک از بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

متغیرهای پژوهش و اندازه‌گیری آنها

در این پژوهش سعی بر آن داریم تا تاثیر متغیر تعدیل گر IFRS را بر رابطه‌های موجود بین متغیرهای پژوهش بررسی نمایم. متغیر تعدیل کننده متغیر مستقلی است که نقش ثانویه دارد و محقق مایل است اثر آن را در فرایند آزمون فرضیه، در کنار متغیر تعدیل کننده، مطالعه کند [۳].

نسبت وام به دارایی (loans to assets ratio): این نسبت نشان دهنده ساختار دارایی بانک است. دارایی‌ها به دو گروه پرتفولیو و غیر پرتفولیو تقسیم میشوند. دارایی‌های پرتفولیو مانند درآمد بازده وام، که شامل نوعی ریسک نیز برای بانک می‌باشند، در مقابل این نوع دارایی، دارایی غیر پرتفولیو قرار دارد مانند وجه نقد که بدون ریسک می‌باشد. [۱۱] [۲۰]

اعتبار (Credibility): نسبت سپرده به وام نشان دهنده ی اینست که چگونه بانکها قادرند جریان نقدی ریسکی و کم هزینه را ایجاد کنند. این نسبت همچنین شاخصی برای تعیین اعتبار بانک است حجم بالا سپرده نشان دهنده این است که سپرده گذار به بانک و مدیریت آن اعتماد دارد. ریسک کل بازار یا سیستماتیک: ریسک کل بازار سرمایه، انحراف معیار بازده روزانه سهام بانک‌ها طی یکسال است.

این ریسک از فرمول زیر محاسبه شده است:

$$\sigma = \sqrt{\frac{\sum (X_i - X_{\mu})^2}{N}}$$

σ : انحراف معیار سالانه بازده روزانه سهام

X_{μ} : میانگین بازده روزانه سهام

X_i : بازده روزانه سهام

N : تعداد مشاهدات.

ریسک سیستماتیک (systematic risks): ریسک های سیستماتیک تقریباً بر تمامی دارایی های موجود در اقتصاد اثر می گذارند. در واقع، ریسک سیستماتیک آن است که کم و بیش بر سهام تعداد زیادی از شرکت ها اثر می گذارد. از آن جا که ریسک های سیستماتیک بر کل بازار موثرند، گاهی ریسک بازار هم نامیده می شود. [۱۰].

این معیار با استفاده از مدل بازار محاسبه می شود؛ این مدل در هر سال برای هر بانک برآورد شده است.

$$R_{it} = \alpha_i + \beta_i R_{mt} + \varepsilon_{it}$$

که i و t ، دلالت به بانک و زمان دارند؛

R_{it} : بازده روزانه سهام بانک است.

R_{mt} : بازده شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

α_i : عرض از مبدا می باشد و ε_{it} : میزان خطای اجزای باقی مانده است.

β_i : ریسک سیستماتیک بانک i می باشد [۱۱].

اطلاعات بازده بازار و بازده سهام، روزانه است و از ابتدا تا انتهای هر سال، مبنای محاسبه بوده است بازده بازار از فرمول زیر محاسبه شده است:

$$R_{it} = \frac{P_1 - P_0 + D_1}{P_0}$$

ریسک خاص (غیرسیستماتیک) هر بانک (nonsystematic risks):

این ریسک، تعداد محدودی از دارایی ها را تحت تاثیر قرار می دهد. ریسک غیرسیستماتیک آن است که روی یک سهم خاص، سخت اثرگذار است. از آن جا که این نوع ریسک ها منحصر به یک شرکت خاص هستند، گاهی ریسک های خاص یا منحصر به فرد نامیده می شوند [۱۰].

این معیار نیز با استفاده از مدل بازار محاسبه می شود و در نهایت ریسک غیرسیستماتیک (خاص) به عنوان انحراف معیار باقی مانده از مدل بازار، هر سال و برای هر بانک از مدل فوق محاسبه می شود [۱۱]. تنوع درآمد (income diversification): تنوع فعالیتهای درآمدی بانکها می توانند به وسیله نسبت درآمدهای غیر بهره ای به درآمدهای حاصل از بهره اندازه گیری شود. به طور ویژه فعالیتهای غیر بهره ای بانکها شامل درآمد حاصل از نگهداری اجناس، بنگاه داری و حق العمل کاری و فعالیتهای تجاری می باشد. بحث های زیادی در ارتباط با رابطه تنوع درآمد و ریسک سیستماتیک وجود دارد. به نظر میرسد

بانکها با تنوع درآمد بالا نوسانات کمتری در درآمدشان مشاهده می کنند که این از چرخه رفتاری متفاوت حاصل از این تنوع ایجاد می شود. [۲۶]

نقدینگی (Liquidity ratio): معیار نقدینگی برای بانکها میتواند وجوه نقد به کل دارایی باشد. از یک طرف این نسبت حسابداری توانایی بانک را برای جذب حرکات غیر منتظره در ترازنامه آشکار نماید. از طرف دیگر اگر وجوه نقد مقدار قابل توجهی از دارایی را شامل شود نشان دهنده عدم بهره‌وری کافی بانک می باشد برخلاف روش‌های پیشین که وجوه نقد و معادل آن در برگیرنده سپرده قانونی نیز می شد. در IFRS سپرده قانونی تحت قرار وجوه نقد نمیگردد. در نتیجه نقدینگی به دقت محاسبه میگردد. بنابراین ما انتظار داریم این موضوع بر ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک تاثیر گذار باشد.

اندازه بانک (size of the bank): دوئیمی و ماموقلی (۲۰۰۹) اندازه بانک را برابر با کل دارایی آن می دانند. بانکهای کوچک به سبب آنکه ابزارها و اطلاعات کمتری نسبت به بانکهای بزرگ دارند ریسکهای طبیعی بیشتری را در داراییهای پرتفولیو شان دارند. در مقایسه با بانکهای کوچک موسسات بزرگ تنوع گسترده تری از قرض دهندگان دارند و دارای پایگاه گسترده ای در میان سپرده گذاران هستند. علاوه بر این بانکهای کوچک ریسک بیشتری را برای دستیابی به مرتبه بالاتری از رشد متقبل میشوند. به سبب آنکه در سیستم IFRS ارزش منصفانه در مقابل ارزش تاریخی استفاده میشود بنابراین انتظار میرود برآورد داراییها با دقت بیشتر همراه باشد در نتیجه انتظار میرود گذار به IFRS بر داراییها ریسک بیشتری را به همراه آورد.

محافظه کاری (conservatism): نسبت وام‌های سوخت شده به کل وام‌ها معیار ایست که نشان دهنده وام‌های سوخت شده و کاهش سود خالص پرتفولیو موسسات مالی است. بانکها متعهد شده‌اند که درآمد خالصشان را به وسیله مقداری از وام‌ها که انتظار میدهند سوخت شود کاهش دهند. از این رو یافته‌های تجربی منصور (۱۹۹۳) نشان داده است که این نسبت حسابداری نشانه‌ای از کیفیت پرتفولیو وامی بانک است و مستقیماً با ریسک غیر سیستماتیک مرتبط است. با این وجود به علت سیاست‌های محافظه کاری بانک ممکن است در صدد سیاست‌های بازسازی به منظور کاهش این ریسک باشد [۱۲]، در نتیجه انتظار میرود رابطه نسبت مذکور با ریسک منفی باشد.

سود هر سهم EPS: سرمایه گذاران شرکت‌های سود ده را ترجیح میدهند زیرا آنها قسمتی از درآمدهایی را که تقسیم میشود، دریافت میکنند. باقی درآمد از طریق اندوخته قانونی و کاهش احتمال ریسک، سهام سهامداران را تقویت می کند. با توجه به گرایش به ارزش منصفانه در IFRS انتظار آن است که مدیریت سود کاهش یابد. بنابراین ما رابطه منفی بین سود هر سهم با معیار ریسک بازار را انتظار داریم.

فرضیات پژوهش

فرضیه اصلی:

¹Earnings Per Share

ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک با اجرای استاندارد گزارشگری بین المللی مالی توسط بانکها تغییر می یابد.

فرضیه های فرعی:

- IFRS بر رابطه بین ریسک و نسبت وام به دارایی تاثیر مثبت میگذارد .
- IFRS به طور معکوس بر رابطه اعتبار با ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک اثر میگذارد.
- IFRS بر ارتباط بین تنوع درآمد و معیار ریسک بازار به طور معناداری اثر میگذارد .
- IFRS بر رابطه نقدینگی و ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک به طور معکوس اثر میگذارد .
- IFRS بر رابطه اندازه بانک با ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک به طور معکوس اثر گذار است.
- IFRS بر ارتباط بین ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک و محافظه کاری اثر مثبتی دارد.
- IFRS اثر معکوسی بر رابطه درآمد هر سهم با هردو معیار ریسک بازار دارد .

یافته های پژوهش

قبل از آن که به آزمون فرضیات تحقیق پرداخته شود لازم است که از ویژگی های توصیفی شرکتها اطلاع حاصل شود . . از این رو ، میانگین ، انحراف معیار ، چولگی ، کشیدگی ، ماکزیم و مینیمم هر کدام از متغیرهای تحقیق در کل دوره مورد بررسی ، مشخص گردید. در آمار استنباطی، مسائل بر اساس یک مدل برآزیده مورد بررسی قرار میگیرند. آمار استنباطی شامل تمامی آمارهها و آزمونهایی ایست که به آزمون فرضیه های تحقیق و به عبارتی برآورد پارامترهای جامعه از آمارههای نمونه می پردازد. در ابتدا نرمال بودن متغیرها با استفاده از آزمون پیرسون تایید گردید و سژس با استفاده از آزمون t زوجی به بررسی تغییرات در میانگین ها پرداخته شد.

آزمون t با نمونه های جفتی معمولا در تحقیقات آزمایشی و تجربی و در شرایطی به کار می رود که قصد داریم تاثیر نوع مداخله را بر روی یک گروه در دو زمان متفاوت مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین از این آزمون برای محاسبه فاصله اطمینان و آزمون فرضیه تفاوت میانگین های دو جمعیت در زمانی به کار می رود که مشاهدات این دو جمعیت با یکدیگر جفت باشند.

در آزمون t با نمونه های جفتی، هر فرد، حیوان یا شی دوبار در دو وضعیت متفاوت مورد مشاهده قرار می گیرد. فرض صفر در طرح چنین داده هایی است که اختلافی بین مقادیر میانگین در دو نمونه جفت از جامعه وجود ندارد و فرض خلاف این است که بین دو مقدار میانگین که مشاهده شده در زمان های قبل و بعد از یک فرایند ، اختلاف وجود دارد . آزمون فرض برابری دو میانگین وابسته به شکل زیر طرح می شود:

$$H_0: \mu_1 = \mu_2 \rightarrow \mu_1 - \mu_2 = 0 \rightarrow H_0: \mu_d = 0$$

$$H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \rightarrow \mu_1 - \mu_2 \neq 0 \rightarrow H_1: \mu_d \neq 0$$

جدول (۴-۴) آزمون t با دو نمونه جفتی

| متغیر | مقدار T | سطح معناداری | رد یا قبول |
|--------------------|---------|--------------|--|
| نسبت نقدینگی | ۱۹,۳۱۸ | ۰,۰۰۰ | مقدار میانگین متغیر به اندازه ۰,۸۵۵۵۶ کاهش یافته است |
| خالص EPS | ۲,۶۲۴ | ۰,۰۳۰ | مقدار میانگین متغیر به اندازه ۲۰۳,۱۶۶ کاهش یافته است |
| جمع کل دارایی | -۱,۱۵۹ | ۰,۲۸۰ | عدم معناداری میزان تغییرات متغیر |
| نسبت وام به دارایی | -۰,۷۳۶ | ۰,۴۸۳ | عدم معناداری میزان تغییرات متغیر |
| نسبت وام به سپرده | ۲,۶۹۶ | ۰,۰۱۸ | مقدار میانگین متغیر به اندازه ۰,۵۴۹۴ کاهش یافته است |
| تنوع درآمد | ۵,۶۸۹ | ۰,۰۰۰ | مقدار میانگین متغیر به اندازه ۱,۳۹۶۱۶ کاهش یافته است |
| محافظه کاری | -۱,۱۱۰ | ۰,۲۹۹ | عدم معناداری میزان تغییرات متغیر |
| ریسک غیر سیستماتیک | ۰,۲۹۹ | ۰,۵۴۵ | عدم معناداری میزان تغییرات متغیر |
| ریسک سیستماتیک | ۰,۷۰۲ | ۰,۵۰۲ | عدم معناداری میزان تغییرات متغیر |

با توجه به نتایج آزمون با اطمینان ۹۵ درصد متغیرهای نسبت نقدینگی، EPS، نسبت وام به سپرده و تنوع درآمد تغییرات معناداری را در میانگین شان نشان داده‌اند.

پس از بررسی میزان تفاوت‌ها در میانگین داده‌ها میزان تغییرات در میزان همبستگی را با استفاده از آزمون Z فیشر انجام گردید
آزمون Z فیشر

| فرضیه | مقدار همبستگی سال ۹۳ | مقدار همبستگی سال ۹۵ | رد یا قبول فرضیه |
|---|----------------------|----------------------|------------------|
| IFRS بر رابطه بین ریسک و نسبت وام به دارایی تاثیر مثبت میگذارد . | | | |
| IFRS بر رابطه بین ریسک غیر سیستماتیک و نسبت وام به دارایی تاثیر مثبت میگذارد . | -۰,۱۷۷ | -۰,۱۸۵ | رد |
| IFRS بر رابطه بین ریسک سیستماتیک و نسبت وام به دارایی تاثیر مثبت میگذارد . | -۰,۵۲۲ | ۰,۳۵۹ | قبول |
| IFRS به طور معکوس بر رابطه اعتبار با ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک اثر میگذارد . | | | |

| فرضیه | مقدار همبستگی سال ۹۳ | مقدار همبستگی سال ۹۵ | رد یا قبول فرضیه |
|---|----------------------|----------------------|------------------|
| IFRS به طور معکوس بر رابطه اعتبار با ریسک غیر سیستماتیک اثر میگذارد. | ۰,۴۴۲ | ۰,۱۴۴ | قبول |
| IFRS به طور معکوس بر رابطه اعتبار با ریسک سیستماتیک اثر میگذارد. | -۰,۲۱ | ۰,۵۰۹ | رد |
| IFRS بر ارتباط بین تنوع درآمد و معیار ریسک بازار به طور معناداری اثر میگذارد. | | | |
| IFRS بر ارتباط بین تنوع درآمد و معیار ریسک بازار به طور معناداری اثر میگذارد. | -۰,۱۲۲ | ۰,۰۸۹ | قبول |
| IFRS بر رابطه نقدینگی و ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک به طور معکوس اثر میگذارد | | | |
| IFRS بر رابطه نقدینگی و ریسک غیر سیستماتیک به طور معکوس اثر میگذارد | -۰,۰۴۲ | ۰,۱۰۲ | رد |
| IFRS بر رابطه نقدینگی و ریسک سیستماتیک به طور معکوس اثر میگذارد | ۰,۰۲۴ | ۰,۵۱۱ | رد |
| IFRS بر رابطه اندازه بانک با ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک به طور معکوس اثر گذار است | | | |
| IFRS بر رابطه اندازه بانک با ریسک غیر سیستماتیک به طور معکوس اثر گذار است | ۰,۳۴۷ | -۰,۶۰۵ | قبول |
| IFRS بر رابطه اندازه بانک با ریسک سیستماتیک به طور معکوس اثر گذار است | -۰,۱۹۳ | -۰,۰۵۱ | رد |
| IFRS بر ارتباط بین ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک و محافظه کاری اثر منفی دارد | | | |
| IFRS بر ارتباط بین ریسک غیر سیستماتیک و محافظه کاری اثر منفی دارد | -۰,۳۷۹ | ۰,۱۱۰ | رد |
| IFRS بر ارتباط بین ریسک سیستماتیک و محافظه کاری اثر منفی دارد. | ۰,۷۴۵ | -۰,۴۱۵ | قبول |
| IFRS اثر معکوسی بر رابطه درآمد هر سهم با ریسک بازار دارد. | | | |
| IFRS اثر معکوسی بر رابطه درآمد هر سهم با ریسک بازار دارد. | ۰,۶۹۹ | -۰,۱۴۳ | قبول |

به سبب آنکه همه فرضیات پژوهش به غیر از ارتباط ریسک سیستماتیک و محافظه کاری، در سطح اطمینان ۹۵ درصد در ناحیه بحرانی قرار نمی‌گیرند، براساس آزمون Z فیشر متغیرها تغییر قابل توجهی در میزان همبستگی‌شان در سطح ۹۵ درصد نشان نداده‌اند. اما از آنجایی که هدف ما در این پژوهش تنها بررسی جهت تغییرات همبستگی در میان متغیرها پس از اتخاذ IFRS بود (نه میزان تغییرات) میتوان اینگونه نتایج تحقیق را بیان کرد که با توجه به تغییرات ایجاد شده نتایج پژوهش را به قرار زیرند:

جدول (۴-۶) نتایج فرضیات

| فرضیه | مقدار همبستگی سال ۹۳ | مقدار همبستگی سال ۹۵ | رد یا قبول فرضیه |
|---|----------------------|----------------------|------------------|
| IFRS بر رابطه بین ریسک و نسبت وام به دارایی تاثیر مثبت میگذارد. | | | |
| IFRS بر رابطه بین ریسک غیر سیستماتیک و نسبت وام به دارایی تاثیر مثبت میگذارد. | -۰,۱۷۷ | -۰,۱۸۵ | رد |
| IFRS بر رابطه بین ریسک سیستماتیک و نسبت وام به دارایی تاثیر مثبت میگذارد. | -۰,۵۲۲ | ۰,۳۵۹ | قبول |
| IFRS به طور معکوس بر رابطه اعتبار با ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک اثر میگذارد. | | | |
| IFRS به طور معکوس بر رابطه اعتبار با ریسک غیر سیستماتیک اثر میگذارد. | ۰,۴۴۲ | ۰,۱۴۴ | قبول |
| IFRS به طور معکوس بر رابطه اعتبار با ریسک سیستماتیک اثر میگذارد. | -۰,۲۱ | ۰,۵۰۶ | رد |
| IFRS بر ارتباط بین تنوع درآمد و معیار ریسک بازار به طور معناداری اثر میگذارد. | | | |
| IFRS بر ارتباط بین تنوع درآمد و معیار ریسک بازار به طور معناداری اثر میگذارد. | -۰,۱۲۲ | ۰,۰۸۹ | قبول |
| IFRS بر رابطه نقدینگی و ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک به طور معکوس اثر میگذارد. | | | |
| IFRS بر رابطه نقدینگی و ریسک غیر سیستماتیک به طور معکوس اثر میگذارد. | -۰,۰۴۲ | ۰,۱۰۲ | رد |
| IFRS بر رابطه نقدینگی و ریسک سیستماتیک به طور معکوس اثر میگذارد. | ۰,۰۲۴ | ۰,۵۱۱ | رد |
| IFRS بر رابطه اندازه بانک با ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک به طور معکوس اثر گذار است. | | | |
| IFRS بر رابطه اندازه بانک با ریسک غیر سیستماتیک به طور معکوس اثر گذار است. | ۰,۳۴۷ | -۰,۶۰۵ | قبول |

| فرضیه | مقدار همبستگی سال ۹۳ | مقدار همبستگی سال ۹۵ | رد یا قبول فرضیه |
|---|----------------------|----------------------|------------------|
| IFRS بر رابطه اندازه بانک با ریسک سیستماتیک به طور معکوس اثر گذار است | -۰,۱۹۳ | -۰,۰۵۱ | رد |
| IFRS بر ارتباط بین ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک و محافظه کاری اثر منفی دارد | | | |
| IFRS بر ارتباط بین ریسک غیر سیستماتیک و محافظه کاری اثر منفی دارد | -۰,۳۷۹ | ۰,۱۱۰ | رد |
| IFRS بر ارتباط بین ریسک سیستماتیک و محافظه کاری اثر منفی دارد | ۰,۷۴۵ | -۰,۴۱۵ | قبول |
| IFRS اثر معکوسی بر رابطه درآمد هر سهم بار ریسک بازار دارد . | | | |
| IFRS اثر معکوسی بر رابطه درآمد هر سهم بار ریسک بازار دارد . | ۰,۶۹۹ | -۰,۱۴۳ | قبول |

براساس نتایج پژوهش طبق فرضیه اول گذار به IFRS باعث تغییر همبستگی بین رابطه ریسک غیرسیستماتیک و نسبت وام به دارایی از میزان -۰,۱۷۷- که نشان دهنده یک رابطه منفی و ضعیف است با اندکی تفاوت به میزان -۰,۱۸۵- که نشان دهنده رابطه منفی و کمی قویتر است، می‌باشد. که نشان دهنده تاثیر اندک و منفی اتخاذ IFRS طی سالیان پس از اتخاذ آن است IFRS همچنین بر رابطه نسبت وام به دارایی و ریسک سیستماتیک تاثیر مثبت گذاشته است. اجرای IFRS میزان همبستگی این رابطه را از -۰,۵۲۲- به ۰,۳۵ ارتقا داده است که نشان دهنده تاثیر مثبت این متغیر تعدیل گر بر رابطه این دو متغیر است. علت این افزایش ناشی از کاهش مبالغ وام به دلیل بالاتر رفتن میزان ذخیره احتیاطی محاسباتی بانکها نزد بانک مرکزی در اجرای IFRS و از طرفی کاهش مجموع دارایی‌ها به دلیل مطالعات مشکوک الوصول بیشتر است. با توجه به تحقیقات پاپادامو و تیزوینکوس (۲۰۱۳)، بیور و لی (۱۹۸۶)، اگوسمن و همکاران (۲۰۰۸)، سالکد (۲۰۱۰) ما انتظار یک رابطه مثبت بین میزان ریسک با نسبت وام به دارایی پس از اتخاذ IFRS داشتیم این فرضیه با توجه به تاثیری قابل ملاحظه ای که در رابطه بین متغیر ریسک سیستماتیک و نسبت وام به دارایی ایجاد کرده تا حدودی تایید شده است اما در رابطه با ریسک غیر سیستماتیک تغییر چشم گیری به چشم نمی‌خورد.

نتایج پژوهش در رابطه با فرضیه دوم نشان دهنده آن است که میزان ارتباط متغیر اعتبار با ریسک غیرسیستماتیک با گذار به IFRS بهبود یافته اما رابطه بین اعتبار و ریسک سیستماتیک در جهت معکوس تغییر یافته که با فرضیه تحقیق سازگار می‌باشد همچنین نتیجه در خصوص ریسک سیستماتیک تحقیق الیاسیانی و منصور (۲۰۰۵) و جهانخانی لینگ (۱۹۸۰) پاپادامو و تیزوینکوس (۲۰۱۳) مطابقت دارد. این نتیجه به سبب آن است که طبق IFRS، وام‌هایی که چندین سال تمدید شده‌اند، به سبب

آنکه وضعیت سنوات یافته‌اند. بایستی ذخیره مطالبات مشکوک الوصول برایشان منظور گردد. این در حالیست که طبق استاندارد ایران علاوه بر اینکه ذخیره ای منظور نمی‌گردید. سود این گونه تسهیلات نیز در حساب‌ها منظور می‌گردید.

مطابق نتایج پژوهش در فرضیه سه IFRS بر رابطه بین ریسک بازار و تنوع دارد به طور معناداری اثر مثبت دارد که با نتایج پژوهش پاپادامو و تیزوینکوس (۲۰۱۳) که رابطه معنادار و مثبتی را نشان می‌دهد مطابقت دارد. در حالی که پژوهش الیاسیانی و منصور (۲۰۰۵) رابطه منفی را نشان می‌دهد در فرضیه تنوع درآمد به دلیل اینکه بانک‌ها قادر بودن سهم درآمد غیر مشاع خود را افزایش دهند لذا درآمدشان متنوع گردیده است. مطالعه صورت مالی بانکها نشان دهنده افزایش سهم غیر عملیاتی و غیر مشاع است در صورتی که بانکها در آینده سرمایه گذاری در شرکتهای تحت مدیریت خود را که عمدتاً زیان ده یا با بازدهی پایین هستند به فروش رسانده و به فعالیت بانکداری خود در بازار بانک متمرکز شوند این وضعیت بهتر خواهد شد.

نتایج پژوهش ما در ارتباط با فرضیه چهار نشان دهنده آن است که گذار به IFRS به طور معکوس بر رابطه نقدینگی بر ریسک غیر سیستماتیک و سیستماتیک تأثیری ندارد. براساس استانداردهای پذیرفته شده ایران سپرده‌های قانونی به عنوان جریان نقد در نظر گرفته می‌شدند در حالی که IFRS این نوع سپرده به عنوان وجوه نقد در نظر نمی‌گیرد به همین دلیل میزان وجوه نقد در IFRS نسبت به صورت‌های پیشین به صورت کمتر و دقیقتر اندازه‌گیری می‌شود. نتیجه این فرضیه با نتایج تحقیق پاپادامو و تیزوینکوس (۲۰۱۳) سازگار نیست ولی با نتایج پژوهش جهانخانی و منصور (۲۰۰۵) که رابطه مثبت را نشان می‌دهد، سازگار است. علت این امر تعریف صحیح IFRS از نقدینگی برای محاسبه ذخیره احتیاطی نزد بانک مرکزی که معادل وجه نقد و معادل وجه نقد است در صورتی که طبق استاندارد ایران فقط شامل وجه نقد است از طرفی ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک تغییر معناداری نداشته است. در فرضیه پنج IFRS بر رابطه اندازه بانک با ریسک غیر سیستماتیک به طور معکوس اثر گذار است که این تغییر به طور قابل ملاحظه مشهود است. لیکن با ریسک سیستماتیک رابطه معکوس نداشته است. نتیجه این تحقیق با پژوهش بیور و همکاران (۱۹۷۰) و پاپادامو و تیزوینکوس (۲۰۱۳) سازگار است بر مبنای بحث ارزش منصفانه اجرای IFRS اجزای دارایی را به طور منصفانه‌تری نشان می‌دهد. شواهد تجربی نشان می‌دهد که اندازه بانک با ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک تحت IFRS مرتبط تر است. همانطور که میدانید اجرای IFRS باعث دستیابی به ارزش منصفانه و صحیح تر شدن اجزای دارایی‌ها می‌گردد. همچنین انتظار میرفت اجرای آن ارتباط بیشتری بین ریسک غیر سیستماتیک و اندازه بانک‌ها به وجود آورد که نتیجه این تحقیق نیز موید همین امر است به طور خاص نتایج تحقیق نشان‌دهنده‌ی این است که بانک‌ها بزرگ درگیر فعالیت‌هایی با ریسک بالاتری هستند که در زمان اجرای IFRS به راحتی کشف می‌شود.

براساس نتایج میزان ارتباط ریسک سیستماتیک با محافظه کاری بر مبنای IFRS ارتباط منفی دارد که این امر فرضیه شش را تایید می‌نماید. اما رابطه ریسک غیر سیستماتیک و محافظه کاری تحت IFRS

تایید نشده است. این میزان تغییر با تحقیق منصور و همکاران (۱۹۹۳) سازگار نیست اما نتایج فرضیه پاپادامو (۲۰۱۳) را تایید میکند.

نتایج پژوهش نشان دهنده یک رابطه معکوس بین درآمد هر سهم و ریسک بازار است که فرضیه هفت پژوهش را تایید می‌کند و با نتایج چان (۱۹۸۹) و پاپادامو و تیزوینکوس (۲۰۱۳) مشابه است. ولی با نتایج پژوهش برینگمن (۲۰۰۷) مطابق نیست. به دلیل کاهش قابل ملاحظه درآمد هر سهم با اجرای IFRS و از طرفی عدم افزایش قابل ملاحظه ریسک بازار از سو دیگر منجر به تایید رابطه معکوس این فرضیه گردیده است. در بلند مدت با افزایش تدریجی درآمد هر سهم بانکها و کاهش ریسک بازار این رابطه بهتر نیز خواهد شد.

نتیجه گیری و بحث

در این قسمت پس از بررسی فرضیه های فرعی و نتایج حاصل از آن تغییرات ریسک غیر سیستماتیک پس از اتخاذ IFRS تایید می‌شود اما با توجه به عدم تایید بیشتر فرضیه‌های مرتبط با ریسک سیستماتیک میزان تغییر این متغیر پس از اتخاذ IFRS رد می‌شود. نتایج تحقیق نشان دهنده این است که اجرای IFRS بر روی ریسک سیستماتیک تاثیر نگذاشته است و بانکها نتوانسته‌اند برای جبران وضعیتی که دچار کاهش درآمد و سود شده‌اند متغیرهای ریسک سیستماتیک که عمدتاً شامل نرخ بهره و نرخ ارز است را تغییر دهند. به دلیل اینکه بانکها با افزایش نرخ بهره میتوانند افزایش سپرده و افزایش سود تسهیلات شده را باعث گردند و بر روی درآمد مشاع بانکها تاثیر گذارد همچنین به دلیل اینکه دارایی بانکها بیشتر از نوع ارزیست بانکها با افزایش نرخ ارز می‌توانند دارای مزاد ارزی باشند که سبب کاهش ریسک سیستماتیک آنها شود. افزایش نرخ ارز باعث ایجاد درآمد غیر عملیاتی میگردد که در این حوزه های اقتصادی اتفاق مهمی نیست و تغییر معناداری به وجود نیامده و در نهایت نتوانستند بخشی از زیان متحمل را جبران نمایند. این نتایج با تحقیق جهانخانی و لینک (۱۹۸۰) و الیاسانی و منصور (۲۰۰۵) و بوسنی و همکاران (۲۰۰۸) تروور و لین (۱۹۸۶) و پایپاینتیو (۲۰۱۳) مطابقت دارد در خصوص ریسک غیر سیستماتیک به دلیل شفافیت بیشتر صورت مالی بانکها و قابلیت اتکای بیشتر جهت تصمیم‌گیر سرمایه‌گذاران بر ریسک غیرسیستماتیک نیز تاثیر داشته است و این تغییرات در بلند مدت به طور بارزتری مشخص خواهد شد. با توجه به یافته‌ای حاصل از پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

یکی از مشکلات اصلی این پژوهش عدم کارایی و رد فرضیه‌ها به سبب دوره زمان کوتاه بررسی متغیرها پس از اتخاذ IFRS می‌باشد به این سبب بهتر این است که این تحقیق با در نظر گرفتن متغیرهای مورد بررسی در سالیان بعد که تاثیر روانی ناشی از اجرای IFRS کاسته شده است، دوباره انجام گیرد. در این پژوهش تاثیر گذار به IFRS با توجه به متغیرهای حسابداری بررسی گردید. ارائه پژوهش مشابه به این پایان نامه در جهت ارائه اثرات اجرای IFRS بر متغیرهای عملیاتی نیز می‌تواند نشان دهنده اثرات این سیستم بر بازار مالی باشد. تحقیق حاضر می‌تواند با توجه به در نظر گرفتن متغیرهای مشابه در این تحقیق به صورت مقایسه بین بورس ایران با کشورهای دیگر به سبب بررسی اثرات اجرای صورت های مالی با توجه به تفاوت های ساختار مالی در کشورهای مختلف انجام گیرد.

فهرست منابع

۱. سیدین بروجنی، الهام و پناهیان، حسین. (۱۳۹۵). «تعیین رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود در صندوق های مشترک سرمایه گذاری» *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، انجمن حسابداری ایران، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۵۴-۷۳.
۲. صفرزوی زاده، معصومه و حسینی، علی. (۱۳۹۳). «ارتباط ریسک های مبتنی بر معیارهای حسابداری و معیارهای بازار سرمایه: مورد بانک های ثبت شده در بازار سرمایه» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، صص ۱۰-۱۱.
۳. مجتهدزاده، ویدا، حیاتی، نهال و پارسایی، منا. (۱۳۹۵). «تجدید ارائه ی صورت های مالی و رفتارپیش بینی سود مدیران» *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، انجمن حسابداری ایران، سال هشتم، شماره ۲۹، صص: ۲-۳۱.
4. Ball, R.. (2006). "International financial reporting standards (IFRS): pros and cons for investors. Account". **Bus. Res.** 36 ,5-27.
5. Cai, L., Rahman, A., Courtenay, S., (2014). "The effect of IFRS conditional upon the level of pre-adoption divergence". **Int. J. Account** , Vol 49 (2),pp :147-178.
6. Callao, S., Ferrer, C., Jarne, J. I., & Laínez, J. A. (2010). "IFRS adoption in Spain and the United Kingdom: Effects on the accounting numbers and relevance. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*", 26 ,pp: 304-313.
7. Choi, M.S., Zéghal, D., (1999). "The effect of accounting firmmergers on international markets for accounting services." **J. Int. Account.** 8 ,pp:1-22.
8. Christensen, H., Lee, B.E., Walker, M., (2008). "Incentives or Standards: What Determines Accounting Quality Changes Around IFRS Adoption? AAA 2008 Financial Accounting and Reporting Section (FARS)"
9. Daske, H. (2006). "Economic benefits of adopting IFRS or US-GAAP — Have the expected cost of equity capital really decreased? *Journal of Business Finance & Accounting*" ,33(3&4), 329-373.
10. Dell'Arriaccia, G., Igan, D., & Laeven, L. (2008)." Credit booms and lending standards. Evi-dence from the subprime mortgage market." **International Monetary Fund workingpaper**, 8, pp:106.
11. Douppnik, T.S., Salter, S.B., (1995). "External environment, culture, and accounting practice: a preliminary test of a general model of interna-tional accounting development". **Int. J. Account.** 30 (2),pp: 189-207
12. Elyasiani, E., & Mansur, I. (1998). "Sensitivity of the ban stock returns distribution to hanges in the level and volatility of interest rate: A GARCH-M model". *Journal of Banking and Finance*, 22(5), 535-563.

13. García, M, P ,R. Alejandro,K ,A ,C . Sáenz,A ,B ,M, Sánchez,H ,H , G.(2017). "Does an IFRS adoption increase value relevance and earnings timeliness in Latin America?", **EmergingMarkets Review**.30,pp: 155-168.
14. Hung, M., & Subramanyam, K. R. (2007). "Financial statement effects of adopting international accounting standards: The case of Germany". **Review of Accounting Studies**,12,pp: 623–657.
15. Jahankhani, A., & Lynge, M. J. (1980). "Commercial bank financial policies and their impact on market-determined measures of risk". **Journal of Bank Research**, 11, pp:169–178.
16. Jones, S.,Wolnizer, P.W., (2003). "Harmonization and conceptual framework: an international perspective". **Abac**. 40, 379–403.
17. Iatridis, G., & Rouvolis, S. (2010). "The post adoption effects of the implementation of the international financial reporting standards in Greece". **International Journal of Accounting, Auditing and Taxation**, 19(1), pp:55–65.
18. Iatridis, G. (2010). "International financial reporting standards and the quality of financial statement information". **International Review of Financial Analysis**, 19,pp: 193–204.
19. Iatridis, G., & Rouvolis, S. (2010). "The post adoption effects of the implementation of the international financial reporting standards in Greece". **International Journal of Accounting, Auditing and Taxation**, 19(1),pp: 55–65.
20. Li, S. (2010). "Does mandatory adoption of International Financial Reporting Standards in the European Union reduce the cost of equity capital? The AccountingReview", 85(2), pp:607–636.
21. Macedo,M.A.d.S.,Machado,M.A.V.,Machado,M.R., Cardoso Mendonna, P.H.,(2013). "Impact of convergence to international accounting standards in Brazil on the informational content of accounting." **Rev. Educ. Pes. Contab.** 7:214–230.
22. Mansur, I., Zangeneh, H., & Zitz, S. M. (1993). "The association between banks' performance ratios and market-determined measures of risk". **Applied Economics**, 25(12), pp:1503–1510.
23. Mitchell Bryce , M. J. A., Paul R.Mather. (2015)." Accounting quality in the pre-/post-IFRS adoption periods and the impact on audit committee effectiveness — Evidence fromAustralia". **Pacific-Basin Finance Journal**.(35), pp:163-181.
24. Morais, A. I., & Curto, J. J. D. (2009). "Mandatory adoption of IASB standards: Value relevance and country-specific factors". **Australian Accounting Review**, 19(2), pp:128–143.
25. Nina, G., Gegenfurtner, B., Kaserer, C., Achleitner, A.-K., 2009. International Financial Reporting Standards and earnings quality: The myth of voluntary vsmandatory adoption.**Working paper**.

26. Papadamou, S. (2008). "The effect of diversification across businesses and within lending activities on risks of commercial banks' portfolios: Evidence from South Korea." **International Journal of Monetary Economics and Finance**, 1(3),pp: 284-301.
27. Pettway, R. H. (1976). " Market tests of capital adequacy of large commercial banks". **Journal of Finance**, 31(3),pp: 865-875.
28. Rajan, R. G. (1994). " Why bank credit policies fluctuate: A theory and some evidence". **The Quarterly Journal of Economics**, 109(2),pp: 399-441.

سایت رسمی www.iaaaar.com

تلفکس ۴۴۸۴۴۷۰۵-۴۴۸۴۴۹۷۵

پست الکترونیک iranianaa@yahoo.com

سایت انجمن حسابداری ایران www.iranianaa.com



The Consequence of the Risk Relevance of International Financial Reporting Standards in Listed Iranian Banks on the Tehran Stock Exchange

Neda Keshavarzian¹©

Faculty of Humanities, University of Shahed, Tehran, Iran

Mohammad Javad Sheikh (PhD)²

Department of Management, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran

Reza Abbasi (PhD)³

Department of Management, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran

(Received: 15 September 2018; Accepted: 31 December 2018)

The main purpose of the paper is to estimate the effect of mandatory adoption of International Financial Reporting Standards (IFRS) on the relationship between market-based measured of risk and accounting variables using a sample of banks are listed on the Theran stock exchanges that covers pre-IFRS and post-IFRS periods 2011-2017, in order to examine whether IFRS introduction enhances the systematic and nonsystematic risks. Employing Pearson correlation coefficient and paired-samples t test and the Fisher r-to-z transformation, our findings show that the adoption of IFRS reinforces positive association between loans to assets ratio with systematic risk while credit and size with systematic and nonsystematic risk and conservatism and EPS with systematic risk are inversely related under IFRS. In addition, the relationship between income diversification and market measures of risk is statistically significant after the adoption of IFRS, than earnings per share are inversely related with systematic risks. Finally, IFRS didn't have any effect in the relationship between liquidity and systematic and nonsystematic risks. The evidence supports the findings for European companies and thus points to the benefits potentially available to companies in countries that have yet to adopt IFRS. Our findings highlight the effects of mandatory adoption of IFRS in Iranian banks so we suggest to reduce systematic risks in other companies, IFRS will be initially adopted voluntarily.

Keywords: IFRS, Mandatory Adoption, Nonsystematic Risk, Systematic Risks, Accounting System.

¹ n.keshavarzian70@gmail.com © (Corresponding Author)

² mjsheikh2002@yahoo.com

³ rezaabasi2003@yahoo.com